

شعر طنز

### زیر ذره‌بین

### کیوان کثیربان

## سر نوشت اکران فیلم‌های خارجی

شاید ایران از معدود کشورهایی در جهان باشد که نمایش عمومی فیلم خارجی در آن ممنوع است. حمایت از تولیدات سینمای ایران بهانه‌ای است که مخالفان برای موجه جلوه دادن ممنوعیت، دست به دامن آن می‌شوند. ولی این دلیل چقدر و چاهت دارد؟ آیا در هیچ صنعتی می‌توان به بهانه حمایت از تولید ملی درها را به روی واردات بست؟ پس اصل رقابت در بازار چه می‌شود؟

آیا اساسا می‌شود مخاطب را از دیدن فیلم مورد علاقه‌اش محروم کرد؟ آیا با جلوگیری از نمایش عمومی فیلم خارجی، راه برای مخاطب علاقه‌مند به کلی بسته می‌شود؟ همین ممانعت از اکران عمومی فیلم خارجی، باعث رونق توزیع قاچاق دی‌وی‌دی می‌شود. چرا مخاطب ایرانی نباید فیلم‌های قابل نمایش را روی پرده سینما ببیند؟ آیا نباید به جای برخورد سلسلی با فیلم خارجی، کیفیت فیلم‌های ایرانی را بالا برد؟ اصلا چرا باید از رقابت با محصول بهتر طفره رفت؟ رقابت با محصولات خارجی می‌تواند به ارتقای کیفیت محصول داخلی بینجامد. کنترل واردات محصول خارجی طبعاً لازم است ولی فرار کردن از رقابت و محروم کردن مخاطب از این امکان، کاملاً غیرمنطقی و مغایر حقوق مشروع آدم‌هاست. جدا از بحث کارشناسی، بیشتر مخالفت‌ها ریشه در منافع محدود شخصی دارد و هراس از ضعف کیفیت. در حالی که این رقابت می‌تواند نه تنها به بهبود کیفیت محصول ایرانی منجر شود بلکه با رونق سینماها، باعث استقبال بیشتر سینماهای ایرانی از سینما شود. نمایش عمومی فیلم‌های خارجی بسیاری از مخاطبان که در شرایط حاضر به سینما نمی‌روند هم به جمع مخاطبان می‌پیوندند و تنوع حاصل از ورود این فیلم‌ها موجب راضی شدن هنرمندان متنوع و در نتیجه افزایش کمی مخاطبان و نهایتاً رونق بیشتر صنعت سینما می‌شود.

خلاصه اینکه با هر نگاهی اکران فیلم‌های خارجی با سیاست‌های مشخصی به صلاح همه است.

یادمان هست که در دهه ۷۰ مدتی اکران فیلم‌های خارجی روز رونق داشت. فیلم «با گرگ‌ها می‌رقصد» هم‌زمان با «از کرخه تا راين» اکران شد. هر دو فیلم عالی فروخت و چه دوره پررونقی برای سینما بود. شاید برای باز شدن این گر نیاز به کمی شجاعت هست و کمی نگاه کلان‌نگر و بی‌شک مخالفان این اتفاق خود نیز از آن منتفع خواهند شد. هراس برخی از این است که با ورود رسمی فیلم خارجی، مخاطبان فیلمفارسی‌های سبک ایرانی کاهش یابند. به هر حال ملاک فیلم دیدن برای مخاطبان باید کیفیت فیلم باشد و بس.

### مجله روز

## بخارا

ماهانمه «بخارا» با یادمان‌های برای داریوش شایگان روی کیوسک است.
علی دهباشی برای این شماره «بخارا» و به بهانه چهلمین روز درگذشت اندیشمند بزرگ ایرانی، مجموعه‌ای

خواندنی جمع‌آوری کرده است. در این ویژه‌نامه سیدمصطفی محقق داماد، سید کاظم موسوی بجنوردی، ژاله آموزگار، محمدعلی موحد، آیدین اغداشلو، غلامحسین ابراهیمی دینانی، بهاءالدین خرمشاهی، کامران فانی، نصرالله پورجوادی، رضا آدمی، مجدود فریدزاد، حورا یابوری، حامد مهدوی دامغانی، رسول جعفریان، فتح‌الله مجتبابی، محمدمنصور هاشمی، عمادالدین باقی، محمد قوچانی، میلاد عطیعی، مسعود کیمیایی، حامد فولادوند، بابک زمانی، سرگر بهارسیفیان، احمد رضا خادمی، حسین مجابی، نهال تجدد، مینو فرشچی، جواد خندق‌بادی، ایرج پارسی‌نژاد، حسن سید عرب، نیر طهوری، حسین کاچی و... درباره شایگان نوشته‌اند. بخشی از خاطرات منتشر نشده داریوش شایگان و البوم عکسی از دوران کودکی و کتاب‌شناسی کامل او به زبان فارسی و انگلیسی، بخش‌های خواندنی دیگر این ویژه‌نامه است.
ماهانمه «بخارا» با ۸۰ صفحه و قیمت ۲۰ هزار تومان برای علاقه‌مندان روی کیوسک آماده است.

## در همین حوالی

## لیلی گلستان

## بگذارید هنرمندی به آرزویش برسد

بیا بید قدردان باشیم. قدردان کسانی که به فرهنگ و هنر این مملکت خدمت کرده‌اند. سعی کرده‌اند فرهنگ و هنر را تقا دهند، بالا ببرند و ارج نهند و برسانندش به جایی که حق این خاک و در لیاقت این خاک است. آن هم بدون هیچ چشمداشت و توقی

ایران درودی یکی از این افراد است. زنی باسواد، بافرهنگ وباهترزنی کوشا که در تمام عمر در سعی و کوشش بود تا هنر خود را بشناساند. زنی باهوش وباکفایت وقوی که قدرخودش را خوب می‌داند.

نقاشی می‌کند، سبک و سبایق خاص خودش را دارد، زیاد هم کار کرده و همیشه هم در آریه و فروش آثارش موفق بوده‌است.

کتاب هم نوشت. کتاب خاطراتش که بارها و بارها چاپ رسیده و بسیار خوانده و تکریم شد.

ایران درودی اعتماد به نفس بالایی دارد و عاشق ایران است.

چند سال پیش به شهرداری پیشنهاد داد جایی را برای احداث موزه‌ای به نام او اختصاص دهند و او کارهایش را به آن موزه اهدا کند. پیشنهاد در حد پذیرش باقی ماند و ماند تا دیروز که شنیدم شورای شهربالاخره تصمیم گرفت این کار به انجام برسد.

گویا قرار است در پارک شفق منطقه یوسف‌آباد این موزه بناشود.

افرادی که برای گردش به پارک می‌آیند می‌توانند به راحتی بابخش مهمی از هنر تجسمی ایران آشنا شوند. چه خوب کاری است کارستان.

خود خانم درودی می‌گوید ای کاش باشم و موزام راخودم افتتاح کنم.

آقایان شنیدید؟ بگذارید برای یک بار هم که شده، یکی از اهالی فرهنگ و هنر این سرزمین به آرزویش برسد. کار سختی نیست.

دستی به زانو بزنید باعلی گویان بلند شوید. خیر پیش.

همه پژوهش‌های میدانی و آمار و ارقام درباره بالا بودن شاخص خشم وعصبانیت در جامعه ایران را هم که بی‌خیال شویم یا غیر قابل اعتماد بشماریم، واقعیت‌های تکرار شونده و فرآیندهای را که مدام با آنها سرو کار داریم که نمی‌توانیم نادیده بگیریم و انکار کنیم، رک و پوست کنده‌اش این است که: آستانه پراکنجختگی و از کوره در رفتن در جامعه ما خیلی پایین آمده و شتاب گرگ‌فرنگی و واکنش تند و خشن و قهرآمیز، خیلی بالا رفته است. این چهره اخموی عصبانی و بی‌حوصله و آماده برای سر به سر گذاشتن و دهان به دهان شدن و دست به گریبان افکندن را در همه لایه‌ها و عرصه‌های ارتباط اجتماعی می‌شود دید: در خیابان و چاده، هنگام رانندگی، در محل کار با بالادستی‌ها یا همکاران یا مراجعان. در خانه میان همسران یا هم با فرزندان در بازار معاملات میان خریدار و فروشنده و در اماکن

### دعای روز پنجم ماه رمضان

## بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

اللهم اجعلنی فیہ من المُستغفرین واجعلنی فیہ من عبادک الصّالحین القانتین واجعلنی فیہ من اولیائک المقربین بر آفتک یازحم‌الرحمن.

خدایا قرار بده در این روز از آسرزش جوین و قرار بده مرا در این روز از بندگان شایسته و فرمانبردارت و قرار بده مرا در این روز از دوستان نزدیکت به مهربانی خودت ای مهربان‌ترین مهربان.

### تخته‌سیاه

## به همین سادگی ...

سایت مدیوم چندین روز پیش مطلبی منتشر کرده و نوشته: «ریسک بخشی ذاتی از زندگی همه ما آدم‌هاست. مهم نیست هرکدام از ما چه کاری انجام می‌دهیم، مساله مهم‌تر این است که ریسک را به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بپذیریم؛ مثلاً از خانه که خارج می‌شویم، ریسک می‌کنیم؛ غذا که می‌خوریم ریسک می‌کنیم و این... در حالی است که هر زمانی که صحبت از ریسک به میان می‌آید، همه آدم‌ها هزاران اما و اگر می‌آورند و ترجیح می‌دهند کمترین ریسک ممکن را تجربه کنند. یادتان باشد این نوع نگاه شما به تغییر است که عامل بازدارنده به حساب می‌آید، ریسک کندیده به سادگی آب خوردن و خروج هرروزه از خانه به همین سادگی...»

### تیتز مصور | یوریس جانسون و خروج انگلیس از اتحادیه اروپا

## گیدو کوئن



## اعتقاد

Info@etemadnewspaper.ir

www.etemadnewspaper.ir

این نامه اخلاقی حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** **الیاس حضرتی**
- جانشین مدیرمسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری:** **پهروز بهزادی**
- سردبیر:** **سیدعلی میرفتاح**
- معاون اجرایی:** **حجت طهماسبی**
- مشاور مدیرمسئول:** **محمد حضرتی**
- رئیس سازمان آگهی‌ها:** **علی حضرتی**
- نشان:** خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، بن بست مینو
- تلفن خانه:** ۰۲۵ - ۶۶۱۲۴۰۲۴ - ۶۶۱۲۴۰۲۱، شماره: ۰۲۱ - ۶۶۱۲۴۰۲۱
- توزیع:** **نشر گستر امروز** | تلفن: ۰۰۰۰۰ ۶۱۹۳۳۰
- چاپ:** **نشر روزتاب** | تلفن: ۰۷۶۴۵۰۷۶

■ اذان ظهر: ۱۳:۰۷ | غروب آفتاب: ۲۰:۰۷ | ذان مغرب: ۲۰:۱۷ | اذان صبح فردا: ۴:۱۴ | طلوع آفتاب فردا: ۵:۵۵

### کرگدن نامه

## سیدعلی میرفتاح

## خبر و شر بر جام

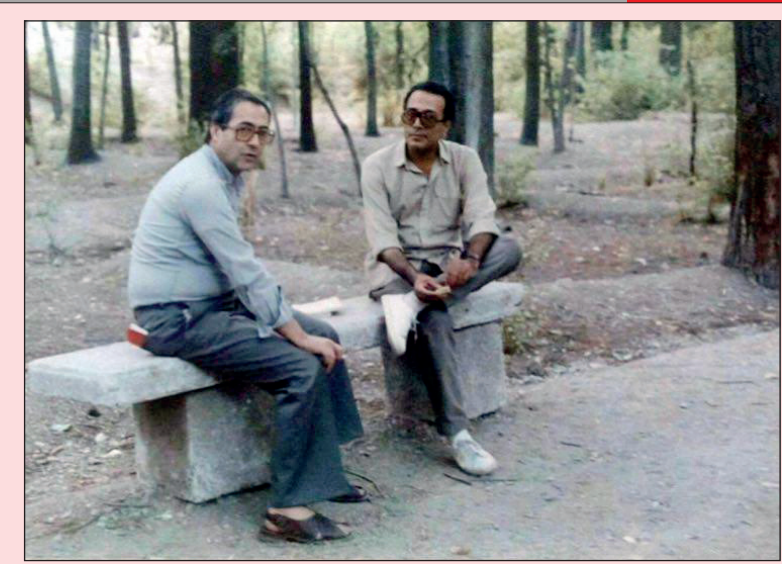
حرف اصلی منتقدان دولت، سر‌قصدیه بر جام چیست؟ روزنامه‌ها را از تیتر تا متن شان را بخوانید و ببینید آیا می‌توانید رمزگشایی کنید و جوهر حرف مخالفان را دریابید؟ من به ضرورت شگلم هر روز این کار را می‌کنم سخنرانی‌های ضد برجام را هم می‌شنوم. یک خبر دو سطر می‌پیدا نمی‌کنید که در خلاص سسه‌بار روحانی و ظریف را ملاحت نکرده باشند که طلبکارانه به آنها نگفته باشند «این چه معاهده‌ای بود که شما بستید؟» بازار ملاحت چنان داغ است که حتی بعضی موافقان سابق برجام هم قیافه واقع‌بین به خود گرفته‌اند و بن‌شمارش عمیب و ایرادات برجام بسر تکان می‌دهند. اما ظاهراً همه فراموش کرده‌اند تا ترجیح می‌دهند به یاد نیابورند که سال نود و دو چه شده بود و ما در چه شرایطی قرار گرفته بودیم که مجبور شدیم به سراغ ۵+۱ برویم. بعضی خطبا در بازخوردی خصه بر جام هیچ اشاراتی به تحریم همه‌جانبه و آن ماجرای اسفبار ذیل بند هفتم و قطعنامه‌های شورای امنیت نمی‌کنند و به روی خود نمی‌آورند چه ضرورت‌هایی روحانی و نظام را به فکر چاره انداخت. طسوری وانمود می‌کند که انگار خوب و خوش و خرم داشتیم زندگی می‌کردیم، بعد یک دفعه ظریف و عراقچی سرر خود و یواشکی بلند شدند و رفتند و عزت و اقتدار کشور را به تاراج دادند و برگشتند. ظاهر هیچ کس یادش نمی‌آید که قبل از ظریف چه بزرگواران نستوهی می‌رفتند و آمدند دریغ از یک توفیق بر سر جای مذاکره. مگر نه اینکه کار داشت به آنجایی کشید که ما بمعاهده نفت برابر غنایبندیم؟ باز هم دم‌مسئولان خرمدند جمهوری اسلامی گرم که رفتند و بعد از دو سال و اندی برجامی بستند که امریکا اعتراف می‌کند سرش کلاه رفته. آ یا هنوز هم دوستان منتقد بر این گمانند که امریکا و اسرائیل دارند فیلم بازی می‌کنند و از اتفاق خیلی هم از برجام راضی‌اند؟ خوب، تحلیل‌های دوستان یک‌روز قبل از عهدشکنی ترامپ که هست. توی همین گوشه‌های موبایل هم می‌توانید پیدا کنید و بخوانید. اینها به ضرر قاطع می‌گفتند امریکامثال است از چنین موقعیت خوبی چشم‌پوشد و این لقمه چرب را از دست‌بدهد. رسما می‌گفتند اینها فیلم‌شان است که تقسیم‌رل کرده‌اند و یکی اسرائیل می‌گوید یکی سعودوی و یکی هم ترامپ. اما متأسفانه، از بد حادثه و برخلاف تحلیل آقایان، فیلم‌شان نبود و معلوم شد پیش از آنچه نشان می‌دادند از برجام عصبانی‌اند. جای عصبانیت هم داشت. ایران زرنگی کرده بود و رسما سر امریکا کلاه گذاشته بود. درست است که روحانی می‌گفت «برد برد» اما همه دیپلمات‌های خیره می‌دانستند که ایران بیشتر برده و همین امر جمهوریخواهان را عصبانی کرده. بیرون‌مان غریبه را کشته، درون‌مان خودی را بیرون برجام‌ناتیبها و بن‌سلیمان و ترامپ را سوزانده از درون اما مسابقه راه‌افتاده برای سرزشت دولت. حتی به خنده‌های ظریف هم گیر می‌دهند و می‌گویند همین خنده‌ها بود که کار دست‌مان داد. برگشته‌اند تمام صحبت‌های روحانی و تیم هستناری‌ای بیرون کشیدند تا حالا که فرار است هر روز خبری می‌روند، لابه‌لای خبر چند جمله‌ای هم از قبل بیاورند که دست‌شان برای شتمات پر باشد. اما نیست. خودشان هم می‌دانند که نیست. بالاخره اتاق دیپلماتی، سوپرمارکت نیست که بتوانید داخل جیبش روغن و بن‌سلیمان و بن‌سلمان بیاید. بقیه که هالو بشندی نیستند. بالاخره عقلی دارند، حساب و کتابی سرشان می‌شود. ملاحظاتی دارند. بیش از صد سال است همه‌کاره دنیا هستند. همین طوری مثل مجسمه که نشسته‌اند تا شما بروید کارهای‌تان را راه بیندازند، آخرش هم اعلام موضع کنید و بیرون بیاید. دیپلماتی سخت است و الحق و الانصاف به گواه دوست و دشمن ظریف سربلندمان کرد و توانست با یک معاهده حساب شده و دقیق حداقل در ظاهر امر یکا امتزوی کند و اروپا را به تقابل با نظام سلطه وارد کند. دستاورد کمی است؟ خوب است گاهی مطبوعات امریکایی را ببینید. خوب است بخوانید ببینید چامسکی چه چیزی درباره ترامپ می‌گوید. یا فرید زکریا. یا... اما یک سوال. الان دولت چه کار کند شما خشنود می‌شوید و دست از ملامتش برمی‌دارید؟ آیا اگر زیر همه چیز بزنند و غنی‌سازی را هم از سر بگیرد خوب است؟ آیا بهترین کار الان این است که چهارتا فحش هم به اروپایی‌های باقیمانده بدهیم و فضا را به نزاع بکشانیم؟ آیا دولت چه کار میکند مطلوب شماست؟ مطلوب شما که طبق فرمایش دکتر به دست نیابورد. حرف من اما این است که در این موقعیت دولت را اینچنین بی‌محابا درشت نگویم و به چیزهایی که واقعیت ندارد متهم نکنیم. یکی از خطبا طوری فرمایش کرده گویی این دیپلمات‌ها یواشکی و بی‌آن نظام پلورچین پلورچین رفت‌اند و اقتدار و متناقضی را حراج کرده‌اند و برگشته‌اند. شما که می‌دانید این‌طور نبود. نکته اینجاست که «عسی ان تکبروها شنیا و هو خیر لکم». گفت اگر بکن پیشت آید و گراحت‌ای کنیم/نسبت مکن به غیر که اینها بخاندند

بگذاریم به حساب ابتلا و امتحان. خداوند این امتحانات را سر رامان قرار داده تا سی‌رومی شود هر که در او غش باشد.

عوامل که بر شمر دیم - شده و می‌شود؟ به گمان من یک عامل بسیار مهم و البته در دسترس: بی‌اعتنایی! هیچ چیز به اندازه بی‌اعتنایی و خونسردی و بی‌احساسی نسبت به گرفتاری‌ها و خواسته‌ها و پرسش‌ها و ابهام‌ها و اعتراض‌های (بحق یا ناحق) مردم، موجب خشم و عصبانیت نمی‌شود. در روابط بین‌افردی هم این قاعده یابرجاست. بی‌اعتنایی به زبان بی‌زبانی یعنی: «ولش کن، بی‌خیال»، به هر دلیل با توجیه که باشد، همچون تیری که از چله سرانجام می‌شود و سپس به صورت خشم، کمانه می‌کند، برای مردمی که این قاعده یابرجاست. به سوی طرف بی‌اعتنا برمی‌گردد.

این است که به گمان من «اعتنای بهنگام» نسبت به چگون و چراها یا حرف و حدیث‌ها یا اعتراض و انتقادهای مردم - البته همراه با آداب اخلاق اجتماعی و حوصله‌گفت و شنود - به ویژه از سوی دستگاه‌های حکومتی در بخش‌های گوناگون، نقش مهمی در کاهش تب خشم و عصبانیت خواهد داشت. امتحان کنید.

### عکس‌نوشت



عکس احمدرضا احمدی و عباس کیارستمی در پارک قیطره و به بهانه سالروز تولد احمدی، روز یکشنبه در فضای مجازی دست به واکنش‌های زیادی به همراه داشت. احمدرضا احمدی سال‌ها پیش و در حاشیه یک مراسم به شوخی و طنز گفته بود: «بتر است جایزه را به من ندهند تا کار خودم را بکنم. می‌ترسم من هم مثل کیارستمی شوم که اگر ۲۴ ساعت جایزه نگردد در سسی... سی. یوبستری شده». با این روایت این عکس را برای عکس‌نوشت امروز انتخاب کردیم تا در حوالی سالروز تولد احمدی و روزهایی که منتخبان جشنواره کن معرفی شدند و باز هم فیلمسازان ایرانی بین بردگان جوایز کن امسال افتخار آفرینی کردند، بدای هم از عباس کیارستمی کنیم که اولین نخل طلای کن را برای ایران به ارمغان آورد و اولین هنرمندی بود که نام ایران را در یک مسابقه بین‌المللی مطرح کرد.

### هشتگ روز

#۷ رمضان در جهان

## شهر دار نیویور ک یک شب افطار می‌دهد

نوشت: «خیلی‌ها می‌دونن که ماه رمضان چیه و برخی از سوپرمارکت‌ها هم تریک می‌گن و محصولاتی مثل خرما رو متنوع‌تر می‌کنن. هم‌ناشنگاهی‌ها می‌ن در دانشگاه بدون اینکه ما حرفی بز نیم، خودشون رعایت می‌کنن و چیزی نمی‌خورن. البته محله‌های مسلمان‌نشین هم موقع افطار بسطاط افطاری پهن می‌کنن و نقد زیاده که گاهی نمی‌شه تو خیابون راه رفت». کاربر دیگری درباره روزه‌داری در فرانسه نوشت: «محیط فرانسه کاملاً متفاوت. چون مسلمان زیاداره، بیلبوردهای رمضان مبارک در شهر هست و شرکت‌هایی که مواد غذایی حلال دارن در محله‌های مسلمان‌نشین سوپرمارکت‌اصلی کشور که از همه بزرگ‌تره قبل از ماه رمضان حراج می‌ذاره». روایت ماه رمضان حتی به امریکانویوپورک هم رسبید و کاربری نوشت: «کنتر همکارها و دوست‌ها تریک می‌گن. اساز زندگی عادی سرچاشه. کلامسلمان‌ها رو نقد تحویل می‌گیرن که آدم خجالت می‌کشه روزه نگیره» و کاربر دیگری تایید کرد: «شهردار نیویورک هم یک شب افطار می‌دهد». به روایت یک کاربر مهاجر ایتالیایی‌ها هم با مسلمانان روزهار در این‌طور رفتار می‌کنند: «کثر آجون‌هامه رمضان را می‌دونن و رمضان و روزه شاخص اصلی مسلمانی هست. معمولاً اول ماه رمضان تریک می‌گن وسیعی می‌کنن جلوی روزه‌دار مراعات کنن». در انتهای این روایت‌ها یک روایت خواندنی هم از دانشجویی در امریکاست که هم‌دانشگاهی‌اش به افق ایران روزه‌اش را می‌گیرد و دلیل هم می‌آورد: «وقتی خانواده‌ام افطار می‌کنن، خوشحال می‌شم که باونافطار می‌کنم».

کاربری نوشت: «اگر خارج از ایران هستید، برای ما تجربه ماه رمضان در کشورهای دیگر بگوید. اگر خودتان روزه می‌گیرید یا همکار و هم‌کلاسی مسلمان دارید، بر خورد بقیه بظهور است؟ در محل‌های عمومی فرقی بین ماه رمضان با بقیه سال هست یا نه؟ بر خورد مردم باروزه‌داران چگونه‌است؟ و این‌طور شد که بعد از یک روز، مجموعه‌ای از روایت‌ها از ماه رمضان در کشورهای مختلف و بر خورد مردم با مسلمانان روزه‌دار در تویتتر جمع شد. اولین روایت از کانادا بود: «ظاهر شهر که عادیه. اما سر کار و با همکارهای روزه‌دار که کاره داره، کاملاً روزه‌رو می‌شناسن و رعایت می‌کنن. پارسل یکی از همکارها به وقت قهوه صحبتگاهی فهمید من روزه هستم، فنتجون چایی رو گرفته بود پشتش و می‌گفت ما می‌رم دستشویی» و روایت دوم هم از همین کشور با این تعریف: «کل شهر عادیه، مثل بقیه ماه‌ه‌اولی توی افسوس سعی می‌کنن جلوی من غذا نخورن و هرچی می‌گم لازم نیست، باز هم رعایت می‌کنند. معمولاً هم شروع ماه رمضان وعید فطر رو تریک می‌گن». کاربری درباره تجربه روزه‌داری در آلمان نوشت: «جالب‌ترین تجربه افطاری دادن تر ک‌ها به هزاران نفر در خیابان مرکزی شهره. برای معرفی رمضان یک‌روز به همه آلمانی‌ها، افطار می‌دن». کاربر دیگری نوشت: «در کانادا، اکثر رهبران حزب‌های سیاسی پیام تریک‌دادن برای ماه اول رمضان، یک شهردار خانم هم در پیام تریک‌گفت که به روزه روزه گرفته و معنویتش رو حس کرده. محیط کاملاً محترمانه است و حتی تو مدرسه هر هم برای بچه‌ها توضیح می‌دن». کاربر دیگری در لیاقت